

بررسی رابطه دانش زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی

صادق صالحی^۱

سارا کریم زاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۸، تاریخ تایید: ۹۰/۷/۲۶

چکیده

نخستین گام در تلاش برای ساختن جوامع پایدار کسب سواد زیست محیطی است (فریتیف، ۱۳۸۶). صاحب نظران مطالعات زیست محیطی نظیر بوردن و اسکیتینو (۱۹۷۹)، اسکان و هولزر (۱۹۹۰)، کایزر و همکاران (۱۹۹۹)، باپارد و جولی (۲۰۰۶) و نیز تانگلت و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند که بین دانش زیست محیطی و رفتارهای مهم زیست محیطی رابطه وجود دارد. با توجه به این که دانش در شکل دهی و پیش بینی رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار است، مقاله حاضر به بررسی رابطه میان دانش زیست محیطی با رفتار زیست محیطی (مصرف انرژی خانگی) در مناطق شهری شهرستان ارومیه می پردازد. در تحقیق حاضر، دانش زیست محیطی در دو سطح دانش نظام مند و دانش مربوط به عمل (رفتار)، مطمح نظر قرار گرفته است. بر این اساس، رابطه مثبت بین دانش و رفتار زیست محیطی، فرضیه اساسی تحقیق را شکل می دهد. از نظر روش شناسی، از روش پیمایش استفاده شده و با استفاده از نمونه گیری خوشه ای، نمونه ها از مناطق شهری انتخاب شدند. داده های تحقیق با استفاده از پرسش نامه و از ۳۸۳ نفر از ساکنان شهر ارومیه جمع آوری شدند. نتایج ضریب آلفای کرونباخ (۶۳/۶۶) نشان داد که پرسش نامه تحقیق از روایی نسبتاً بالایی برخوردار است. نتایج تحقیق نشان داده است که بر خلاف بسیاری از تحقیقات تجربی پیشین که در سایر مناطق جهان انجام شده، در جامعه آماری مورد بررسی، رابطه معناداری بین دانش زیست محیطی چه دانش از نوع نظام مند و چه از نوع رفتاری و رفتار زیست محیطی وجود ندارد. در ادامه ی مقاله، دلایل احتمالی بروز این نتیجه مورد بحث قرار گرفته و در موضوعاتی نیز برای انجام تحقیقات آتی پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: دانش زیست محیطی نظام مند، دانش زیست محیطی مربوط به عمل، رفتار زیست محیطی، مصرف انرژی.

s.salehi@umz.ac.ir
sara_80888@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران
۲. کارشناس ارشد جامعه شناسی توسعه

مقدمه و طرح مسأله

بحران محیط زیست در عصر حاضر ناشی از فقدان دانش و نیز فقدان آگاهی بشر در مدیریت پایدار محیط زیست می‌باشد (مولیادی، ۲۰۱۰). به همین دلیل، فریتیوف معتقد است که تحصیل سواد زیست محیطی، نخستین گام در راه نیل به پایداری است و اساساً شرط بقای آینده بشریت، سواد زیست محیطی، توانایی فهم اصول شناخت محیط زیست و زندگی کردن بر پایه آن‌هاست. از این رو، باسواد زیست محیطی یا سواد زیست محیطی برای سیاست‌مداران، رهبران کسب و کار و کارورزان در همه حوزه‌ها باید به صورت مهارت حیاتی درآید (فریتیوف، ۱۳۸۶: ۴-۲۸۳). ضرورت تحصیل سواد زیست محیطی از آنجا نشأت می‌گیرد که به زعم فریتیوف، خلق جوامع پایدار چالش بزرگ عصر ماست (فریتیوف، ۱۳۸۶: ۲۸۲). در این زمینه لین وایت (۲۰۰۴)، معتقد است که از ابتدای قرن بیستم، موضوعات، مسائل و چالش‌های زیست محیطی، در مرکز زندگی روزانه بشر قرار گرفته است (صالحی، ۲۰۰۹). به گونه‌ای که در میانه سال‌های ۱۹۲۰، پی‌آمدهای نگران‌کننده آلودگی‌های زیست محیطی، همه‌روزه توجه بیشتری را به خود جلب می‌کرد (لوری، کمپ^۲، ۱۳۸۶: ۱۷). این آلودگی‌های زیست محیطی به شمار می‌آید که می‌بایست برای یک اقتصاد موفق پرداخت می‌شد. در همین راستا، کاد وورث^۳ (۲۰۰۳)، اذعان می‌کند که امروزه نسبت به هر زمان دیگری، جوامع انسانی، تاثیر به‌سزایی بر محیط زیست دارند (صالحی، ۲۰۰۹: ۲) طی ۳۰ سال اخیر، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که به واسطه درک پیامدهای بلند مدت موضوعات زیست محیطی در زندگی انسان‌ها، اهمیت بحث در این مورد رو به فزونی گذاشت (باداک^۴، ۲۰۰۵: ۲).

به تدریج و با افزایش هزینه‌های بالای اجتماعی و اقتصادی ناشی از آسیب‌های زیست محیطی، اجتماعات و مقامات را بر انگیزت تا چاره‌ای برای آن بیاندیشند. یکی از راهکارهای اجتناب از آسیب رساندن به محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، تغییر رفتار انسان‌ها به سمت و سوی ابعاد طبیعت‌گرایانه بود (گوامبیت^۵، ۲۰۰۵: ۱). بسیاری از گروه‌های زیست محیطی تلاش سختی را برای بالا بردن دانش و آگاهی عمومی آغاز کرده بودند (باداک، ۲۰۰۵: ۲). اما این تغییر رفتار به خودی خود صورت نخواهد پذیرفت و نیاز به پیش شرط‌هایی دارد. بدین منظور، دانش عموماً پیش شرط لازم برای رفتار افراد به حساب می‌آید. به همین دلیل، گیلگ بار^۶ (۲۰۰۳) معتقد است که "این تصور در قلب سیاست‌گذارهای دولتی جای دارد که دانش مناسب، تأثیرات ملموسی روی رفتار خواهد داشت" (صالحی، ۲۰۰۹). رامزی^۷ (۱۹۷۶) نیز اهمیت دانش زیست محیطی را مورد توجه قرار داده و معتقد است که فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی به صورت عام و سازمان‌های زیست محیطی مردم-نهاد به صورت خاص، بر این اساس بنا شده‌اند که آگاهی و دانش عمومی موجب حمایت از محیط زیست می‌شود (همان). رابین^۸ از جمله محققانی است که نقش برجسته‌ای برای دانش زیست محیطی قایل بوده و معتقد است که "یک دانش همگانی و گسترده در مورد مفاهیم زیستی^۹ و بوم‌شناختی در مرکز تعریف، احیاً و حفظ کیفیت محیط زیست وجود دارد" (همان).

1. White
2. Lorey
3. Kemp
4. Cudworth
5. Budack
6. Quimbita
7. Barr
8. Ramezi
9. Rubin
10. Biological

فرتیوف از این فراتر رفته و از آنجا که کسب سواد زیست محیطی را نخستین گام برای ساختن جوامع پایدار می‌داند، معتقد است که "سواد زیست محیطی برای سیاست‌مداران، رهبران کسب و کار و کاروزان در همه حوزه‌ها باید به صورت مهارتی حیاتی درآید" (فرتیوف، ۱۳۸۶: ۲۸۳).
 با توجه به اهمیت تأثیر دانش زیست محیطی بر رفتارهای زیست محیطی و نیز وجود تفاوت در انواع دانش‌ها، شناسایی نوع دانشی که رفتار را به شیوه اثر بخش هدایت می‌کند و آن را به پیش می‌برد و دستیابی به ساختار آن، می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد (فریک، کیسر و ویلسون، ۲۰۰۴: ۲).

چارچوب نظری

به زعم هینز^۱ و همکارانش (۱۹۸۶) پیش بینی رفتار زیست محیطی کار ساده‌ای نیست. ظاهراً عوامل پیش بینی کننده رفتارهای حامی محیط زیست، متغیرهای متعددی را در بر می‌گیرد که هیچ یک از آن‌ها بدون داشتن همبستگی با بقیه عمل نمی‌کند. از آنجا که بررسی هم‌زمان کلیه متغیرها عوامل تأثیرگذار میسر نمی‌باشد، بنابراین، لازم است در یک تحقیق تجربی، محققان با تأکید بر یک یا چند متغیر، درصدد تبیین رفتارهای زیست محیطی برآیند. در همین راستا، تحقیق حاضر قصد دارد با تمرکز بر دانش زیست محیطی، سهمی در تبیین رفتار مصرف انرژی افراد در محیط منزل داشته باشد. از لحاظ نظری همان‌طور که لیونز^۲ و برک ول^۳ (۱۹۹۴) اظهار داشته‌اند، "دانش علمی و نگرش‌ها راجع به تغییرات حاصل از پیشرفت‌های علمی، عوامل مهمی در شکل‌گیری نگرش‌های زیست محیطی تلقی می‌شوند" (به نقل از صالحی، ۲۰۰۹). در زمینه ارتباط بین دانش و رفتارهای زیست محیطی، مالونی^۴ و وارد^۵ (۱۹۷۳) و فیتکا^۶ (۱۹۸۴) معتقدند که هر چه افراد نسبت به محیط زیست آگاه‌تر باشند، احتمال این‌که رفتار هم‌سوتری با آن داشته باشد، بیشتر می‌شود (به نقل از گراب، ۱۹۹۵: ۲). رمزی و ریکسون^۷ (۱۹۷۶) نیز معتقدند که دانش رشد یافته درباره محیط زیست، بستری برای نگرش‌های محافظت از محیط ایجاد می‌کنند و هم دانش و هم نگرش نقش مهمی در تغییر کنش‌های انسانی دارند (چن^۸، ۱۹۹۹).
 بر پایه مدل گراب^۹ (۱۹۹۵)، هرچه افراد بیشتر در مورد محیط زیست بدانند، رفتارهای محافظتی بیشتری نسبت به آن از خود نشان می‌دهند. گراب دلیل مدعای خود را پیشینه تجربی گسترده، هم بر پایه داده‌های پیمایش‌های زیست محیطی بوردن^{۱۰} و اسکتنو^{۱۱} (۱۹۷۹)، هاینز و همکاران (۱۹۸۶/۸۷)، اسکان^{۱۲} و هولزر^{۱۳} (۱۹۹۰) و هم بر پایه شواهد تجربی آربوت نت و همکاران^{۱۴} (۱۹۷۶/۷۷)، بکر^{۱۵} (۱۹۷۸) و کاتزر^{۱۶} و جانسون^۱ (۱۹۸۴) می‌داند

1. Hines
2. Lyons
3. Breakwell
4. Maloney
5. Ward
6. Fietkau
7. Rickson
8. Chan
9. Grob
10. Borden
11. Schettino
12. Schann
13. Holzer
14. Arbuthnot
15. Becker
16. Katzer

(غراب، ۱۹۹۵:۳). در اینجا تبیین این امر که چگونه رفتار زیست محیطی افراد می‌تواند تحت تاثیر دانش زیست محیطی قرار گیرد حائز اهمیت است، اما باید اذعان داشت که دانش افراد نسبت به هر موضوع، دانشی چند لایه است: دانش واقعی یا دانش موجود از مسئله، و دانش عملی یا رفتاری. در راستای همین فعالیت‌ها بود که کار فریک و همکارانش در معرفی سه شکل از دانش محیطی، یعنی دانش نظاممند^۱، دانش مربوط به عمل^۲ و دانش اثر بخشی^۳ (فریک ات ال، ۲۰۰۴). باب جدیدی در مطالعه تاثیرات دانش زیست محیطی بر رفتارهای موثر زیست محیطی گشود.

فریک و همکاران (۲۰۰۴)، معتقدند که دانش نظاممند یا سیستمی معمولاً به نحوه عمل اکوسیستم‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت دانش نظام مند، دانشی است در مورد مسائل زیست محیطی. بهترین مثال در این مورد، دانش درباره رابطه بین دی اکسید کربن^۴ و تغییر آب و هوای جهان است. اگر دانش نظاممند یا سیستمی به عنوان دانستن "چه" تعریف شود، دانش مربوط به عمل یا رفتاری، دانستن "چگونه" یا دانش در مورد گزینه‌های رفتاری و طرق ممکن کنش است. در این مورد نیز، فریک و همکاران برای روشن‌تر شدن مطلب، مثال CO₂ را مطرح می‌کنند. به زعم آنان، شاید مردم بدانند که CO₂ در گرم شدن زمین تأثیر دارد، اما ممکن است ندانند که چه کارهایی می‌توانند برای کاهش CO₂ انجام دهند. دانش اثرمندی نیز دانش درباره سود و فایده حاصل از یک رفتار خاص است. در دانش اثر بخشی، دانش مربوط به عمل (یا دانش مربوط به از صرف دانستن چگونگی حفظ محیط)، به چگونه دانستن برای کسب بیشترین فواید زیست محیطی بسط پیدا می‌کند (فریک ۲۰۰۴:۳).

بنابراین، برای بررسی رابطه بین دانش و رفتار زیست محیطی لازم است تأثیر همزمان انواع دانش بر رفتارهای زیست محیطی مورد بررسی تجربی قرار گیرد.

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی رابطه میان دو نوع دانش زیست محیطی نظاممند و دانش مربوط به عمل با رفتارهای زیست محیطی است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، غالب تحقیقات انجام شده در خصوص رابطه دانش و رفتار زیست محیطی بیشتر بر این فرض استوارند که دانستن صدمات ناشی از تخریب محیط زیست، می‌تواند مردم را به مراقبت از محیط زیست و مشارکت در رفتارهای معنادار زیست محیطی برانگیزد. در تحقیق حاضر نیز همگام با بسیاری از تحقیقات قبلی، فرض بر این است که دانش زیست محیطی همبستگی مثبتی با رفتار معنادار زیست محیطی دارد. بنابراین، انتظار داریم که سطوح بالاتر دانش زیست محیطی چه از نوع نظاممند و چه از نوع مربوط به عمل با رفتار مثبت زیست محیطی همبستگی داشته باشند.

سه سوال اساسی که در این تحقیق در تلاش برای پاسخ‌گویی به آن‌ها هستیم، عبارتند از:

الف- میزان دانش و آگاهی زیست محیطی افراد مورد مطالعه در هر دو سطح دانش نظام مند و دانش وابسته به عمل تا چه اندازه است؟

ب- میزان رفتار مسئولانه افراد در برابر محیط زیست (با تأکید بر رفتارهای مرتبط با مصرف انرژی) تا چه اندازه است؟

1. Johnson
2. System Knowledge
3. Action-related Knowledge
4. Effectiveness Knowledge
5. Co2

ج- چه رابطه ای بین میزان دانش زیست محیطی (در هر دو سطح) و رفتار زیست محیطی (مصرف انرژی) افراد وجود دارد؟

پیشینه تجربی

رابطه میان دانش زیست محیطی و رفتار زیست محیطی در تحقیقات پیشین مورد بررسی قرار گرفته است. مروری بر تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که از یک طرف، برخی از محققان به وجود رابطه میان دانش زیست محیطی و رفتار معنادار زیست محیطی دست یافته‌اند و از طرف دیگر، برخی از محققان نتوانسته‌اند چنین رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر بدست آورند. در زیر مروری بر تحقیقات گذشته در دو دسته داخلی و خارجی ارائه می‌شود؛ الف- تحقیقات داخل کشور: مطالعات زیست محیطی از منظر روانی- اجتماعی، از جمله موضوعاتی هستند که از سابقه بسیار کمی در داخل کشور برخوردارند. عمده تحقیقات پیشین یا توصیفی هستند و یا در محدوده ارتباط متغیرهای دموگرافیک با رفتارها و نگرش‌های زیست محیطی، قابل طبقه بندی می‌باشند.

شاهنوشی و عبداللهی (۱۳۸۶) در بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ زیست محیطی مردم اصفهان به بررسی رابطه آگاهی زیست محیطی با رفتار زیست محیطی پرداخته‌اند که نتایج این پژوهش نشان دهنده وجود رابطه مستقیم و معنادار میان دو متغیر است. بدین ترتیب، هر چه آگاهی زیست محیطی افزایش یافته است، به طور معناداری رفتار زیست محیطی مثبت‌تری شکل گرفته است (شاهنوشی و عبداللهی، ۱۳۸۶).

صالحی عمران و محمدی (۱۳۸۷) در بررسی پیرامون وضعیت آگاهی و دانش زیست محیطی معلمان آموزش دوره ابتدایی استان مازندران، با استفاده از گویه‌هایی که توسط صالحی (۲۰۱۰) ساخته شده، به این نتیجه رسیدند که میزان دانش زیست محیطی معلمان دوره ابتدایی در حد متوسط بوده است. همان‌طور که محققان مذکور اعلام داشتند، تحقیق فوق از نوع توصیفی بوده و لذا رابطه بین دانش و رفتارهای زیست محیطی در آن تحقیق، مورد ارزیابی قرار نگرفته است.

نعیمه رضوانی (۱۳۸۴) در پایان نامه خود با عنوان "بررسی رابطه بین دانش زیست محیطی و نگرش‌ها با رفتارهای محافظت از محیط" که بر روی ۲۴۲ دانشجو از چهار رشته بهداشت محیط، جغرافیای طبیعی، تاریخ و روان شناسی اجرا شد، به این نتیجه رسیده است که دانش کسب شده از موضوعات زیست محیطی منجر به افزایش رفتارهای محافظت از محیط در افراد می‌شود.

صالحی (۱۳۸۸)، در تحقیقی در سه استان شمالی ایران (گلستان، گیلان و مازندران)، در بررسی پیرامون رابطه بین دانش زیست محیطی و رفتار زیست محیطی پاسخ‌گویان به این نتیجه رسید که رابطه معناداری بین این دو متغیر در بین پاسخ‌گویان قابل مشاهده نبوده است. صالحی گزارش می‌دهد، پاسخ‌گویانی که دانش زیست محیطی بالاتری داشتند، در رفتارهای زیست محیطی نمره پایین‌تری کسب کرده‌اند. در این تحقیق تنها دانش نظام‌مند (سیستمی) پاسخ‌گویان مورد سنجش قرار گرفته است.

مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که رابطه بین دانش و رفتار زیست محیطی در ایران تنها توسط یکی از محققین یعنی صالحی (۱۳۸۸) مورد بررسی قرار گرفته است. به عبارت دیگر، در تحقیق اخیر نیز تنها، کشف رابطه بین دانش زیست محیطی نظام‌مند و رفتار زیست محیطی مورد توجه بوده است. در ارتباط با دانش زیست محیطی وابسته به عمل نیز، ظاهراً هیچ یک از محققان در تحقیق خود به آن نپرداخته‌اند. این به این معناست که موضوع تحقیق حاضر، یعنی بررسی رابطه بین دانش هم در سطح دانش نظام‌مند و هم در سطح دانش وابسته به عمل با رفتار زیست محیطی موضوعی جدید و مطالعه نشده^۱ است.

1. Under-studied

ب- تحقیقات خارج از کشور: مروری بر تحقیقات انجام شده در خارج از کشور نشان می‌دهد که محققان به نتایج متفاوتی درباره نقش دانش و رابطه اش با رفتارهای معنادار زیست محیطی دست یافته‌اند. به عنوان مثال، بوردن^۱ و اسکیتینو^۲ (۱۹۷۹) در تحقیق خود بر روی دانشجویان دوره لیسانس دانشگاه پوردو در ایندیانا، آمریکا، دریافتند که دانش زیست محیطی تاثیر مثبت و قوی روی پایبندی واقعی داشته و پاسخ‌گویی که در احساسات زیست محیطی مرتبه بالاتری داشتند، برای پذیرفتن فعالیت‌های متعهدانه در قبال محیط زیست راغب‌تر بودند. در تحقیق دیگری، اسکان^۳ و هولزر^۴ (۱۹۹۰) تاثیر متقابل دانش زیست محیطی، نگرش‌ها و رفتار را به منظور پیش بینی رفتارهای زیست محیطی بررسی کردند و رابطه معناداری بین دانش و رفتارهای مذکور یافتند. در این تحقیق، همچنین، محققان دریافتند که دانش انتزاعی^۵، هیچ تأثیری روی رابطه میان نگرش‌ها و رفتارهای زیست محیطی ندارد، ولی دانش عینی^۶ (رفتاری) بر رفتارهای زیست محیطی تاثیر گذار بوده است (هولزر، اسچین^۷، ۱۹۹۰). همچنین تحقیق از سوی اوگوز و همکاران (آگوز ات از^۸، ۲۰۱۰) در مورد دانش و آگاهی زیست محیطی دانشجویان در استانبول ترکیه صورت پذیرفت نشان می‌دهد که دانش زیست محیطی همواره تاثیر چندانی روی تمایل رفتاری افراد برا حفاظت از محیط زیست ندارد.

کایزر^۹ و همکارانش (۱۹۹۹) نیز در تحقیقی که روی بزرگسالان سوئسی انجام دادند، دریافتند که دانش زیست محیطی و ارزش‌های زیست محیطی، ۴۰ درصد از واریانس تمایل به رفتارهای اکولوژیکی را تبیین می‌کند (کیسر ات آل، ۱۹۹۹: ۱).

کمپتون^{۱۰} در مطالعه خود بر روی گروه‌های طرفدار و مخالف محیط زیست در آمریکا، دریافتند که میانگین دانش درباره مسائل و موضوعات زیست محیطی در حد پایینی است و شگفت اینکه شدت فقدان دانش هم در میان طرفداران محیط زیست و هم در میان غیر طرفداران (مخالفان) به یک میزان است. دیکمن^{۱۱} و دورفر^{۱۲} (۱۹۹۲)، به نقل از کمپتون و همکاران اشاره به این دارند که بیشتر افرادی که به اندازه کافی درباره موضوعات زیست محیطی آگاهی ندارند، کنش‌های زیست محیطی مسئولانه از خود نشان می‌دهند. مطالعات چندی هم نشان داده‌اند که دانش فنی در مورد جزئیات محیط زیست به نظر نمی‌رسد که کاهش یا افزایشی در رفتارهای زیست محیطی داشته باشد (کولموس، اگیمن^{۱۳}، ۲۰۰۲: ۱۴).

رابطه بین دانش زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی در شهر آگرت^{۱۴} انگلستان نیز مورد مطالعه واقع شده است. در این تحقیق، بار و همکارانش (۲۰۰۳) رابطه بین دانش زیست محیطی و رفتار زیست محیطی را مورد کاوش قرار دادند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که دانش زیست محیطی، یک پیش‌بینی‌کننده معنادار برای رفتار

1. Borden
2. Schetino
3. Schahn
4. Holzer
5. Abstract Knowledge
6. Concrete Knowledge
7. Schann, Holzer
8. Oguz et al
9. Kaiser
10. Kempton
11. Diekmann
12. Doerfor
13. Kollmuss, Agyeman
14. Exeter

زیست محیطی است. به این معنی که آن دسته از پاسخ‌گویانی که دانش بیشتری در مورد محیط زیست داشتند، احتمال بیشتری داشت که میزان تولید زباله خود را پایین بیاورند. با این حال، رابطه حاصله ضعیف بوده است (بار ات ال^۱، ۲۰۰۳:۱۴).

بایارد^۲ و جولی^۳ رابطه بین دانش زیست محیطی و رفتار زیست محیطی را در آمریکا بررسی نموده و یافته‌های آن‌ها نشان داده است که آگاهی از تخریب زیست محیطی^۴، همبستگی مثبتی با رفتارهای زیست محیطی پاسخ‌گویان داشته است. نتایج این تحقیق نشان داد که افراد هر چه بیشتر از تخریب محیط زیست و عواقب آن اطلاع داشتند، تمایل بیشتری برای مداخله شخصی در کاهش مشکل یا تلاش برای تأثیرگذاری روی سیاست‌های مربوط به بهبود وضعیت زیست محیطی نشان می‌دادند (جولی، بایارد، ۲۰۰۶).

مالیادی^۵ (مولیادی^۶، ۲۰۱۰) در تحقیقی که بر روی کشاورزان اندوزی انجام داد به این نتیجه رسید که دانش زیست محیطی از عناصر و مهم و تعیین کننده در رفتار مسولانه زیست محیطی در بین کشاورزان نقش دارد. مالیادی این تحقیق را در سطح ۳۰ روستای منطقه لیلی ریاجا^۷ و بر روی نمونه ۱۲۰ نفری از کشاورزان این روستاها انجام داد.

علاوه بر تحقیقات فوق، تحقیقات دیگری نیز انجام شده‌اند که نتایج نسبتاً متفاوتی را ارائه می‌دهند. به عنوان مثال، کُناک^۸ و کوستا^۹ (۱۹۹۳) در برزیل و ماداگاسکار و با استفاده از یک نمونه‌ی گلوله برفی^{۱۰} رابطه بین دانش زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی را بررسی کرده و گزارش دادند که دانش زیست محیطی ضرورتاً با کنش و رفتار زیست محیطی یا با شرکت در گروه‌های محیط زیست‌گرا همبستگی ندارد. نتایج تحقیق این محققان، همچنین نشان داد که در انگرادوریس^{۱۱} اکثر مردم، حقیقتاً از خطرات زیست محیطی آگاهند، ولی تنها آنهایی که به طبقات اجتماعی بالاتری تعلق دارند، به تشکلهای زیست محیطی می‌پیوندند (همان).

فریک و همکارانش به بررسی رابطه بین هر سه نوع دانش (دانش نظام‌مند، دانش رفتاری و دانش اثر بخش) با رفتار زیست محیطی در میان ۵۰۰۰ نمونه مورد بررسی در سوئیس پرداختند. نتایج نشان داد که صورت‌های سه‌گانه دانش، نمایانگر تأثیرات متفاوتی بر روی رفتارهای محافظت از محیط هستند. دانش مربوط به عمل (رفتاری) و دانش اثر بخش، تأثیر مستقیم و بلاواسطه بر رفتار دارند. در مقابل، دانش نظام‌مند، فاصله بسیاری با رفتار دارد و تنها به واسطه تأثیر بر دو نوع دیگر دانش و به شیوه‌ای غیرمستقیم، بر رفتار، تأثیر گذار است (فریک، کیاسر، ویلسون^{۱۲}، ۲۰۰۴:۲).

1. Barr et al
2. Bayard
3. Jolly
4. Environmental degradation
5. Bayard, Jolly
6. Mulyadi
7. Lilirajaja
8. Kottak
9. Costa
10. Snowball sample
11. Angra do Reis
12. Frick, Kaiser, Wilson

جمع بندی پیشینه تحقیق

در مطالعات زیست محیطی از یک طرف ما با نظرات افرادی چون هینز و همکارانش (۱۹۸۷) مواجهیم که چنین استدلال می‌کنند که دانش انتزاعی مهمترین نوع دانش برای پیش بینی عمل زیست محیطی است و از طرف دیگر، محققانی مانند اسکان و هولزر (۱۹۹۰) قرار دارند که معتقدند دانش انتزاعی به رفتار زیست محیطی منجر نمی‌شود (همان). اما از سوی دیگر در ارتباط با دانش زیست محیطی، کلموس و آگیمنان به نقل از گرب (۱۹۹۱) و کایزر و همکاران (۱۹۹۹) اشاره می‌کنند که بسیاری از محققان متفق القول اند که تنها قسمت کوچکی از رفتارهای زیست محیطی با دانش و آگاهی زیست محیطی افراد رابطه دارند (کولموس، آگمین^۱ ۲۰۰۲: ۱۲).

به زعم صالحی (۲۰۱۰) نتایج تحقیقات پیشین که به بررسی رابطه بین دانش و رفتار زیست محیطی پرداختند می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول تحقیقاتی هستند که به رابطه مثبتی بین دانش و رفتار زیست محیطی دست یافتند. دسته دوم به رابطه منفی پی بردند و دسته سوم تحقیقاتی هستند که نتوانستند به هیچ رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر دست یابند. صرف نظر از نوع نتیجه‌ای که تحقیقات قبلی بدست آوردند، این امر را باید در نظر داشت که آن‌ها متغیرهای مختلفی را برای سنجش دانش زیست محیطی به کار برده‌اند. پی تردید، این امر روی نتایج به دست آمده بی‌تأثیر نبوده است. علاوه بر این، تفاوت در نحوه سنجش متغیرها سبب شده است تا مقایسه و تعمیم نتایج نیز با مشکل مواجه شود. مثلاً بوردن و اسکاتینو (۱۹۷۹) روی دانش زیست محیطی عینی و واقعی (رفتاری) تمرکز داشتند، در حالی که اسکان و هولزر (۱۹۹۰) دانش انتزاعی (سیستمی) را به کار بردند و کوتزل (۲۰۰۳) دانش حرفه‌ای (شغلی)^۲ را برای سنجش دانش زیست محیطی به کار بسته است.

در تحقیق حاضر، سعی شده تا از تفکیک میان دانش نظام‌مند و دانش مربوط به عمل، نقش دانش بر رفتار زیست محیطی مورد بررسی قرار گیرد. دلایل احتمالی به بحث گذاشته شود و از طرفی رابطه بین این دو متغیر در جامعه محلی، (البته در سطح نمونه) آشکار شود.

روش شناسی تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را افراد ساکن در مناطق شهری ارومیه تشکیل می‌دهند که مطابق با اطلاعات حاصل از آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)، تعداد کل جامعه آماری برابر با ۵۹۶۱۱۷ نفر می‌باشد. از این تعداد، ۳۰۳۹۰۲ نفر را مردان و ۲۹۲۲۱۵ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. در تحقیق حاضر، برای تعیین حجم نمونه از فرمول منطقی کوکران استفاده شد (رفیع پور، ۱۳۶۸) که براساس آن، تعداد ۳۸۳ نفر به عنوان نمونه تعیین شدند. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای^۳ استفاده شده است. از نظر زمانی، داده‌های تحقیق در تابستان ۱۳۸۹ جمع آوری شد و ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسش‌نامه بوده است. در بخش پرسش‌های مربوط به دانش نظام‌مند و رفتار زیست محیطی از گویه‌های صالحی (۲۰۰۶) استفاده شد و در بخش مربوط به دانش مربوط به عمل، پرسش‌نامه محقق ساخته مورد استفاده قرار گرفت. قبل از انجام تحقیق اصلی و برای افزایش روایی و اعتبار آن، پرسش‌نامه به صورت آزمایشی و بر روی ۵۰ نفر از نمونه‌ها به اجراء درآمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی (شامل جداول فراوانی و ...) و نیز آمار استنباطی (ضرایب همبستگی پیرسون و ...) استفاده شده است.

1. Kollmuss, Agyeman
2. Professional Knowledge
3. Cluster Sampling

تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

۱- دانش زیست محیطی نظام مند(سیستمی): به نظر آرکری^۱ و جانسون^۲، دانش زیست محیطی، اطلاعاتی است که افراد درباره محیط زیست، بوم شناسی سیاره زمین و تاثیر کنش‌های انسانی بر روی محیط / زیست بوم دارند(آرکری، ۱۹۸۷: ۱). از نظر عملیاتی، دانش زیست محیطی با استفاده از نه گویه (سوال) مختلف مورد سنجش قرار گرفته است(رجوع شود به جدول شماره ۱). هر گویه ۴ پاسخ ممکن داشت که فقط یکی از پاسخ‌ها صحیح بود. از پاسخ‌گویان پرسیده شده بود که کدامیک از ۴ گزینه مطرح شده صحیح است. به پاسخ‌های غلط نمره صفر و به پاسخ صحیح نمره یک اختصاص داده شده است. مجموع نه سوال مربوط به دانش زیست محیطی به عنوان یک متغیر برای دانش زیست محیطی محسوب شدند. نمره ترکیبی با جمع کردن نمرات پاسخ‌های صحیح محاسبه شد. در تمام موارد، نمرات بالا (حداکثر نمره ۹) باز تاب دانش زیست محیطی بالا و نمرات پائین (حداقل نمره ۰) نمایان گر فقدان نسبی چنین دانشی بود. نتایج آماری سنجش پایایی نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس دانش نظام مند، ۰/۶۰۸ می‌باشد.

۲- دانش زیست محیطی مربوط به عمل (رفتاری): به نظر فریک و همکاران، در حالی که دانش نظام‌مند معمولاً به این پرسش ختم می‌شود که اکوسیستم‌ها چگونه عمل می‌کنند و یا به مسائل زیست محیطی توجه دارد، دانش مربوط به عمل، به نوعی، دانش در مورد گزینه‌های رفتاری و طرق ممکن کنش (رفتار) است(فریک و همکاران، ۲۰۰۴). از نظر عملیاتی، دانش زیست محیطی مربوط به عمل با استفاده از ۹ گویه (سوال) مختلف مورد سنجش قرار گرفته است (رجوع شود به جدول شماره ۲). هر گویه ۴ پاسخ ممکن داشت که فقط یکی از آن پاسخ صحیح بود. از پاسخ‌گویان پرسیده شده بود که کدامیک از ۴ گزینه مطرح شده صحیح است. به پاسخ‌های غلط، نمره صفر و به پاسخ صحیح نمره یک اختصاص داده شده است. مجموع ۹ سوال مربوط به دانش زیست محیطی رفتاری، به عنوان یک متغیر برای دانش زیست محیطی رفتاری مصرف انرژی محسوب شدند. نمره ترکیبی با جمع کردن نمرات پاسخ‌های صحیح محاسبه شد. در تمام موارد، نمرات بالا (حداکثر نمره ۹) بازتاب دانش زیست محیطی بالا و نمرات پائین (حداقل نمره ۰) نمایان گر فقدان نسبی چنین دانشی بود. آلفای کرونباخ دانش زیست محیطی وابسته به عمل (رفتاری)، در این پرسش‌نامه، ۰/۶۱ بدست آمد.

۳- رفتار زیست محیطی: در این تحقیق، رفتار معنادار زیست محیطی از لحاظ مفهومی به اعمال واضح و قابل مشاهده‌ای اشاره دارد که توسط فرد و در پاسخ به محیط زیست انجام می‌شود (چین اوی^۳، ۱۹۹۸). از لحاظ عملیاتی نیز، رفتار زیست محیطی با استفاده از ۱۱ گویه (سوال) مختلف مورد سنجش قرار گرفت (رجوع شود به جدول شماره ۳). به عبارت دیگر، در تحقیق حاضر، رفتار زیست محیطی شامل ۱۱ رفتاری است که تکرار و فراوانی رفتارهای زیست محیطی فرد در داخل منزل را شامل می‌شود. این رفتارها بر روی ابعاد مختلف مصرف انرژی خانگی تمرکز دارند، فلذا می‌توان گفت مقصود از رفتار زیست محیطی در تحقیق حاضر، رفتار مصرف انرژی در منزل می‌باشد. این رفتارها که در قالب گویه مورد سوال قرار گرفته‌اند، بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در سطح ترتیبی اندازه‌گیری شدند. در اینجا رفتار زیست محیطی به عنوان یک متغیر وابسته، با جمع بستن پاسخ افراد نسبت به ۱۱ رفتار محاسبه شده است. بدین ترتیب، متغیر جدید رفتار زیست محیطی، بر روی یک مقیاسی قرار گرفته است که حداقل نمره آن ۱۱ و حد اکثر نمره آن ۵۵ می‌باشد. آلفای کرونباخ گویه‌های سنجش رفتار زیست محیطی در این تحقیق، ۰/۷۰ است.

1. Arcury
2. Johnson
3. Chin Ivy

یافته‌ها و نتایج تحقیق

یافته‌ها و نتایج تحقیق را می‌تواند در سه قسمت نسبتاً مجزا ارایه نمود. قسمت الف- به سوال اول تحقیق پاسخ می‌دهد که میزان دانش زیست محیطی افراد، در هر دو وجه نظام مند و وابسته به عمل، در چه سطحی است. قسمت ب- نشان می‌دهد که رفتار زیست محیطی در بین افراد نمونه چگونه است و نهایتاً قسمت ج- نیز به این سوال پاسخ می‌دهد که رابطه بین دانش نظام‌مند (سیستمی) و دانش وابسته به عمل با رفتار زیست محیطی چگونه است.

الف: ۱- دانش زیست محیطی نظام مند

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آگاهی گزارش شده‌ی پاسخ‌دهندگان در مورد مسائل زیست محیطی، کمی بالاتر از حد میانه است (میانگین = ۵/۴۰). جدول زیر اطلاعات جزئی تری را ارایه می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهد، زمانی که مصادیق مختلف دانش زیست محیطی را به صورت جداگانه در نظر می‌گیریم، سطح آگاهی افراد در زمینه‌های مختلف متفاوت است. برای مثال، در حالی که اکثریت مردم (۸۷/۲٪) از دلایل آلودگی رودخانه‌ها اطلاع دارند، تنها درصد کمی از نمونه‌ها (۹/۹٪) از دانش زیست محیطی مربوط به مهمترین منبع تولید برق کشور بهره‌مند هستند.

الف: ۲- دانش زیست محیطی وابسته به عمل

نتایج حاصل از بخش دانش و آگاهی مردم نسبت به موضوعات رایج زیست محیطی (البته در ارتباط با مصرف انرژی)، نشان می‌دهد که نمونه‌های مورد بررسی از دانش کافی در زمینه مسایل زیست محیطی شاخه انرژی برخوردار نیستند. نتایج تحقیق گویای این است که آگاهی گزارش شده‌ی پاسخ‌دهندگان در مورد این مسائل حتی پایین‌تر از متوسط قابل انتظار است (میانگین = ۳/۹۹). جدول زیر اطلاعات جزئی تری را ارایه می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهد که همانند دانش زیست محیطی نظام‌مند، زمانی که مصادیق مختلف دانش در ارتباط با مصرف انرژی را به صورت جداگانه در نظر می‌گیریم، سطح آگاهی و دانش افراد فرق می‌کند. برای مثال، در حالی که اکثریت مردم (۸۱/۲٪) از سالم‌ترین نوع سوخت‌های فسیلی اطلاع دارند، تنها درصد کمی از نمونه‌ها (۲۵/۶٪) از دانش این‌که چند درصد از برق مصرفی در لامپ‌های رشته‌ای به گرما تبدیل می‌شوند، بهره‌مند هستند.

ب- رفتار زیست محیطی

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میانگین رفتار زیست محیطی گزارش شده‌ی پاسخ‌دهندگان ۴۶/۷۷ بوده است (حداقل ۱۱، حداکثر ۵۵). این امر پدین معنی است که نمونه‌های مورد بررسی از رفتار زیست محیطی نسبتاً بالایی برخوردارند. جدول زیر اطلاعات جزئی تری را ارایه می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهد که به عنوان مثال، خاموش کردن چراغ‌های اضافی منزل، در بین افراد به خوبی جا افتاده است و تقریباً ۹۵٪ افراد، به این امر مبادرت می‌ورزند. اما پوشیدن لباس گرم در فصول سرد، در منازل شهروندان ارومیه به منظور صرفه جویی در مصرف سوخت نسبت به سایر رفتارهای زیست محیطی، درصد کمتری را به خود اختصاص داده (در نمونه حاضر تنها ۳/۶۵٪ افراد خود را موظف به این کار می‌دانند).

ج: ۱- رابطه دانش زیست محیطی نظام‌مند و رفتار زیست محیطی

همانطور که قبلاً مطرح شد، در تحقیق حاضر، بر اساس نتایج برخی از تحقیقات پیشین (مثل بوردن و اسکینیو؛ ۱۹۷۹ و هولز؛ ۱۹۹۰ و کایزر و همکاران؛ ۱۹۹۹ و بایارد و جولی؛ ۲۰۰۶) چنین پیش بینی شده بود که یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین دانش زیست محیطی و رفتارهای مهم زیست محیطی وجود داشته باشد. برای

تعیین رابطه بین دو متغیر، آزمون همبستگی پیرسون اجراء شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ منعکس شده است.

جدول شماره ۱: آزمون همبستگی پیرسون

متغیر وابسته: رفتار زیست محیطی								متغیر مستقل
متغیر مستقل: دانش زیست محیطی وابسته به عمل				متغیر مستقل: دانش زیست محیطی نظام مند				
Sig	مقدار آزمون	N	نوع آزمون	Sig	مقدار آزمون	N	نوع آزمون	
-	-	-	-	۰,۰۷۲	*۰,۰۹۷	۳۷۰	پیرسون	دانش زیست محیطی نظام مند
۰,۷۴۶	**۰,۰۱۶	۳۶۳	پیرسون	-	-	-	-	دانش زیست محیطی وابسته به عمل

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ دو دامنه ای معنادار است.

** همبستگی در سطح ۰/۰۵ دو دامنه ای معنادار است.

همان‌طور که داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد، نتایج حاصله از اجرای آزمون همبستگی پیرسون حاکی از آن است که رابطه معناداری بین متغیرهای دانش زیست محیطی نظام مند و رفتار زیست محیطی در سطح نمونه مورد بررسی دیده نشده است. بنابراین، فرضیه تحقیق (وجود ارتباط بین دانش زیست محیطی نظام‌مند و رفتار زیست محیطی) مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. مع الوصف، این یافته با نتایج به دست آمده توسط صالحی (۸۷) و کیتزمولر (۲۰۰۹) سازگاری دارد.

ج: رابطه دانش زیست محیطی وابسته به عمل و رفتار زیست محیطی

همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، فریک و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند که دانش وابسته به عمل، پیش‌بینی‌کننده‌ی مناسبی برای رفتار محافظتی است. بر این اساس، در تحقیق حاضر پیش‌بینی شده بود که بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. نتایج حاصل از اجرای آزمون همبستگی پیرسون (جدول شماره ۱) نشان می‌دهد که بر خلاف ادعای کایزر و همکاران، رابطه معناداری بین متغیر دانش زیست محیطی وابسته به عمل و رفتار زیست محیطی در بین نمونه‌های مورد بررسی وجود ندارد. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر این‌که بین دانش عملی زیست محیطی و رفتار زیست محیطی رابطه وجود دارد، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

بحث و نتیجه گیری

در عصر حاضر، تأثیر رفتار انسانی بر روی منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها فزونی یافته (سوسمن^۲، ۲۰۱۱) و برای کاهش اثرات تخریبی رفتار انسانی بر محیط زیست کسب سواد و دانش زیست محیطی امری لازم و ضروری تلقی می‌شود. فی الواقع، وجود دانش، همواره برای کنش موفقیت‌آمیز ضروری به نظر می‌رسد (فریک^۳، ۲۰۰۴). در تمام رفتارها، دانش به مثابه ابزاری برای غلبه بر موانع روانشناختی از قبیل جهل و گمراهی قلمداد می‌شود. به

1. Kitzmuller
2. Sussman
3. Frick

همین دلیل، شناسایی این امر بسیار حائز اهمیت است که مردم، از قبل به چه میزان می‌دانند و چه نوع دانشی برای پیشبرد رفتار هدف، ضروری است (همان).

برای بررسی رابطه تجربی دو متغیر دانش و رفتار زیست محیطی در شرایط اجتماعی و محلی، تحقیق حاضر سعی نموده است تا علاوه بر سنجش دانش زیست محیطی نظام‌مند و دانش وابسته به عمل، رابطه آن‌ها با رفتار معنا دار زیست محیطی را نیز در شهر ارومیه (استان آذربایجان غربی) مورد بررسی قرار دهد.

نتایج حاصل از اجرای تحقیق نشان داد که اولاً، سطح رفتارهای زیست محیطی در منطقه مورد بررسی بالاست و ثانیاً "هیچ یک از دو فرضیه تحقیق، مورد تایید تجربی قرار نگرفتند. با توجه به عدم تأیید فرضیات تحقیق، این سوال مطرح می‌شود که چرا در یک جامعه محلی مثل ایران و در سطح نمونه‌ی مورد بررسی، بین دانش زیست محیطی و رفتار زیست محیطی رابطه معنی داری وجود ندارد؟ به عبارت دیگر، چه دلایلی باعث بروز شکاف میان دانش و رفتار زیست محیطی می‌گردد؟ از نظر محققان پژوهش حاضر، شکاف بین دانش و رفتار زیست محیطی گزارش شده در سطح نمونه‌های مورد بررسی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد.

یکی از دلایل احتمالی این امر، پایین بودن سطح دانش زیست محیطی در میان افراد مورد بررسی است. همان‌طور که ملاحظه شد، در تحقیق حاضر میانگین دانش زیست محیطی افراد درباره رفتارهای زیست محیطی (مصرف انرژی)، ۳/۹۹ است. (بیشترین نمره‌ای که هر فرد می‌توانست در این تحقیق در ارتباط با دانش زیست محیطی نظام‌مند دریافت کند، ۹ بود). شاید بدین دلیل که مسئله انرژی، کمابیش موضوعی تخصصی در بین شهروندان تلقی می‌شود، آگاهی افراد نسبت به آن در سطوح بسیار پایینی قرار دارد. صرف نظر از چرایی نازل بودن سطح دانش زیست محیطی (که می‌تواند موضوع تحقیق مستقلی در این زمینه باشد)، می‌بایست به نقش این عدم آگاهی یا سطوح بسیار نازل آن، در عدم تأثیرگذاری در رفتار زیست محیطی توجه نمود. در حقیقت، نمی‌توان با این سطح نازل دانش زیست محیطی، انتظار رفتار محافظت از محیط زیست را از افراد داشت.

یکی دیگر از دلایل احتمالی شکاف بین دانش و رفتار زیست محیطی در تحقیق حاضر، مسأله ماهیت دانش مورد نظر می‌باشد. به عبارت دیگر، آنچه که تحقیق حاضر نشان داد این بود که دانش نظام‌مند و دانش رفتاری، ارتباط مثبت با رفتار زیست محیطی نداشته است. اما این احتمال وجود دارد که چنانچه دانش اثر بخشی مورد توجه قرار گیرد، رابطه مثبتی با رفتار زیست محیطی پیدا شود. از آنجا که دانش اثر بخشی، به فرد برای انتخاب راه حل‌های رفتاری گوناگون کمک می‌کند (رضوانی ۱۳۸۴: ۱۱۴)، بهتر است که به جای دانش نظام‌مند و دانش مربوط به عمل و سنجش رابطه آن‌ها با رفتار، به سراغ دانش اثربخشی رفت و رابطه آن نوع از دانش را با رفتار زیست محیطی مورد سنجش قرار داد. در دانش اثر بخشی، دانش مربوط به عمل، از صرف دانستن چگونگی حفظ محیط زیست، به چگونگی دانستن برای کسب بیشترین فواید زیست محیطی بسط پیدا می‌کند (فریک و همکاران، ۲۰۰۴: ۳). همان‌طور که پیش‌تر نیز مطرح شد، نوع دانش، همواره بر کیفیت رفتارهای انسانی و نیز نوع رفتار تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، بار (۲۰۰۳) در تبیین نتایج غیره منتظره در تحقیق خود ابراز می‌دارد که "گرچه دانش، نقش مهمی در تبیین رفتار زیست محیطی ایفا می‌نماید، ولی این دانش، دانش عینی و واقعی است و نه دانش انتزاعی" (صالحی، ۲۰۰۹).

یکی از نتایج قابل توجه در تحقیق حاضر، بالا بودن سطح رفتار زیست محیطی (میانگین نمره رفتار زیست محیطی ۴۷ از ۵۵ است) در منطقه مورد بررسی است. اما با یادآوری این نتیجه که در تحقیق حاضر رابطه مثبتی بین دانش زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی ملاحظه نشده است، بلافاصله این سوال مطرح می‌شود که اگر دانش زیست محیطی در شکل دهی رفتار زیست محیطی مردم نقش چندانی ایفا نمی‌کند، پس چه عواملی در این میان تأثیر گذار است؟ صالحی (۲۰۰۹: ۲۱)، معتقد است که رفتار زیست محیطی ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر عوامل موقعیتی، روان‌شناختی و ارزشی که برای تدارک یک واکنش پیچیده‌ی رفتاری از طرف

شهروندان ترکیب می‌شوند، قرار داشته باشد. علاوه بر این، صالحی (۲۰۰۹) استدلال می‌کند که هر چند ممکن است افراد تحت مطالعه، دانش نظام‌مند لازم را در زمینه محیط زیست‌دارا می‌باشند، ولی ممکن است تصور کنند که اعمال آن‌ها موثر نبوده و نمی‌توانند روی وضعیت محیط زیست تأثیری بگذارند. به همین دلیل، چون اعتقادی به اثر بخش بودن رفتارهای خود در حفظ محیط زیست ندارند، بنابراین رفتارهای حمایت از محیط زیست از خود نشان نمی‌دهند.

بی‌تردید، نتایج و یافته‌های تحقیقی حاضر نیز شواهد بیشتری مهیا کرد مبنی بر اینکه عوامل زیادی غیر از دانش زیست محیطی برای شناسایی عوامل موثر بر رفتار و اعمال زیست محیطی باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، چنانچه هدف یک تحقیق، شناخت عوامل موثر بر رفتارهای زیست محیطی است، باید به عواملی غیر از دانش زیست محیطی نیز توجه داشت تا بدین ترتیب بتوان شناخت کامل تری از عوامل موثر بر رفتارهای زیست محیطی حاصل نموده و براساس آن، زمینه‌های لازم برای ایجاد تغییرات در الگوی رفتار زیست محیطی افراد، به سمت رفتارهای همسو با محیط زیست ارائه داد.



منابع

- اسماعیلی، فرزانه (۱۳۸۶) « بررسی نگرش زیست محیطی دانش آموزان سوم دبیرستان شهر تهران». کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۸) **کندو کاوها وینداشته‌ها**. شرکت سهامی انتشار.
- رضوانی، نعیمه (۱۳۸۴) «بررسی رابطه بین دانش زیست محیطی و نگرش‌ها با رفتارهای محافظت از محیط، تهران» کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- صالحی عمران، ابراهیم. آقا محمدی. علی (۱۳۸۶) « بررسی دانش، نگرش و مهارت‌های زیست محیطی معلمان آموزش دوره ابتدایی استان مازندران». فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۵.
- صالحی، صادق (۱۳۸۹) «دانش زیست محیطی و رابطه آن با رفتار زیست محیطی». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه تهران، شماره ۲۰.
- ای لوری، دیوید، کمپ، دیوید (۱۳۸۶) شهروندی سبز (دموکراسی سبز، عدالت سبز)، ترجمه محمود روغنی. تهران: انتشارات اختران، چاپ اول.
- کریمی، داریوش (۱۳۸۲) « بررسی نیازهای آموزش زیست محیطی دانش آموزان، معلمان و زنان خانه دار در منطقه خاک سفید تهران». فصلنامه محیط زیست، شماره ۴۰.
- کلایتون، سوزان و جین مایرز (۱۳۹۰) **روانشناسی حفاظت از محیط زیست: درک و ترغیب مراقبت انسان از طبیعت**، ترجمه مجید صفاری نیا، حسن عبدالله زاده، عبدالله مفاخری، ابراهیم نیک صفت، ناهید یوسف پو، تهران: انتشاران ارجمند.
- فریتيوف، کاپرا (۱۳۸۶) پیوندهای پنهان: تلفیق گسترده‌های زیست، شناختی و اجتماعی حیات در علم پایداری، ترجمه محمد حریری اکبری، تهران: نشر نی.
- Arcury, A.T (1990), "Environmental Attitude & Environmental Knowledge", Human Organization, 49, pp300-304.
- Barr, S., Ford, N.J., & Gilg, A.W (2003). " Attitudes Toward Recycling Household Waste In Exeter, Devon: Quantitative & Qualitative". pp3-4.
- Bayard, B., Jolly, C (2007), "Environmental behavior structure and socio-economic conditions of hillside farmers: A multiple-group structural equation modeling approach, Ecological Economics", Vol.3, pp.24-31.
- Borden, R.J and Schettino, AP (1979), "Determinants of environmentally responsible behavior". The Journal of Environmental Education, vol.10, pp.35-39.
- Budak, D (2005), "Behavior & Attitude of Student Toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural, Turkey". Jurnal of Applied Sciences. Pp.1224-1227
- Chan, s, Cheung,., & Wong, Z (1999), "Reexamining the theory of planned behavior in understanding wastepaper recycling". Environment and Behavior. (31)5, 587-612.
- Chin Ivy, T. G., Lee, C. K., and Chuan, G. K (1998), " A Survey of Environmental Knowledge, Attitudes and Behaviour of Students in Singapore". International Research of Geographical and Environmental Education, 6 (3), pp.181-2002.
- Diele, Ouzl, Isil Çakci and Safiye Kavas (2010), Environmental awareness of University Students in Ankara, Turkey, African Journal of Agricultural Research, Vol.5(19). pp.2629-2636.
- Grob, Alexander (1995), "A Structural Model of Environmental Attitudes & Behavior". The Journal of Environmental Psychology, 15, pp.209-220.
- Frick, Jaqueline, Kaiser Florian G. Wilson Mark (2004), "Environmental knowledge and conservation Behaviour: exploring Prevalance and Structure in a Representative Sample". Personality and Individual Differences, 37, pp.1597-1613.
- Kaiser, F.G., Wolfing, S., & Fuhrer, U (1999) "Environmental Attitude and Ecological Behavior". Journal of Psychology, 19, pp. 1-19.
- Kollmuss, A., Agyeman, J (2002), "Mind the Gap: Why People Act Environmentally and What are the Barriers to Pro-environmental Behavior"? Journal of Environmental Education Research, Vol.8.

No.3.pp450-471.

- Mulyadi, Joel (2010) Effect of environmental knowledge, local wisdom, locus of control and farming motivation on responsible environmental behavior of farmers in Soppeng regency of south Soluvesi, International Journal of Academic Research, Vol.3.No.2
- Pictilecainen, Joanna (2007), A Slow Start at Beginning of the Recycling in China, master thesis, University of Helsinki, Finland.
- Quimbita & Pavel (2005), "Assessing On Environmental Attitude Development Model: Factor Influencing the Environmental Attitude of College Student".
- Salehi, S (2009), "New Environmental Paradigm and Environmental Behavior", Journal of Environmental Education, Under Consideration.
- Salehi, S (2009), "environmental Attitudes and Behavior in Iran: A Study in the Northern Provinces Using: The New Environmental Paradigm", PhD thesis, Leeds University, UK.
- Salehi, Sadegh (2010), People and the Environment, Lambert Academic Publication.
- Schahn, J. & Holzer, E (1990), "Studies of individual environmental concern: The role of knowledge, gender, and background variables", Environment and Behavior, Vol. 22, No. 6, pp.767-786.
- Sussman, Reuven (2011) Be the Change You Want to See: Modeling Food Composting in Public Places, Environment and Behavior, XX,X,1-21





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

رمز‌گشایی‌های زنانه از شبکه تلویزیونی فارسی وان شناخت دلالت‌های معنایی حاکم بر قرائت مخاطبان زن از سریال ویکتوریا

شیوا علینقیان^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۰ تاریخ تایید: ۹۰/۷/۱۸

چکیده

این مطالعه به بررسی تجربه‌ی تماشای زنانه سریال ویکتوریا از شبکه فارسی وان می‌پردازد. این سریال که در سال ۸۸ از محبوبیت قابل توجهی در میان زنان ایرانی برخوردار گشت، مجموعه‌ای است با انبوهی از بازیگران که بر محور زندگی روزمره زنی توانمند می‌چرخد. روند داستان به گونه‌ای است که همچون "سریال‌های بازاری"، معماهایی طرح می‌شود تا کنج‌کاوی بیننده را برانگیزاند و سپس آن را به نحوی که مورد انتظار مخاطب است، پاسخ می‌دهد.

برای شناخت دلالت‌های معنایی حاکم بر قرائت مخاطبان زن از سریال ویکتوریا از روش پژوهش کیفی بهره گرفته و با استفاده از تکنیک مصاحبه به جمع آوری اطلاعات پیرامون تجربه تماشای مخاطبان زن ایرانی اقدام شد. به علاوه، برای تکمیل یافته‌های تحقیق، به سراغ نظرات کاربران اینترنتی در خصوص چرایی تماشای سریال رفته و با استفاده از تحلیل محتوا، نظرات ایشان در سایت‌ها و وبلاگ‌های مرتبط بررسی شد. نهایتاً براساس یافته‌ها و نتایج تحقیق می‌توان عواملی را معرفی کرد که بینندگان را به دنبال کردن سریال ترغیب و در آن‌ها لذت ایجاد می‌کند. مجموعه‌ی پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان به ترتیب اهمیت در شش گروه زیر قرار می‌گیرند: *ایجاد سرگرمی* برای بینندگان به عنوان اولین عامل، *الگوهای جنسیتی جایگزین* که در این سریال بازتولید می‌شوند دومین عامل مهم در تماشای سریال، *مشارکت گروهی* در تفسیر متن به نحوی که تنها یک نوع از قرائت را خوانش غالب معرفی کند، *مشابهت در تجربه زیسته* که همسانی‌هایی را میان بیننده و شخصیت‌های داستان ایجاد می‌کند، *آشنایی شنیداری* یا تماشای سریال به زبان فارسی که از طریق شنیدن گفتگو‌هایی که خارج از فضای فرهنگی خانواده‌های ایرانی است هیجان می‌آفریند و نهایتاً *نزدیکی فضایی* به متن که از سبک تصویربرداری آن حاصل شده است، فرصت تجربه، لذت و هیجانات متمایزی را برای مخاطب به دست می‌دهد.

واژگان کلیدی: سریال ویکتوریا، سریال بازاری، الگوهای جنسیتی جایگزین، تجربه‌ی زیسته زنانه.

مقدمه

در دنیای امروز رسانه‌ها نقش قابل توجهی را در زندگی روزمره بازی می‌کنند به طوری که ادامه زندگی بدون آن‌ها متصور نیست و در این میان، سهم رسانه‌های بصری از همه بیشتر است. از دیدگاه جان استوری "در بین رسانه‌ها، تلویزیون عامه پسندترین جلوه‌ی قرن بیست و یکم است" (استوری، ۱۳۸۵: ۲۹). در مطالعات فرهنگی بر پایه توجه به خصوصیات مخاطب که او را از بیننده صرف به خواننده هوشیار تبدیل کرده است رسانه‌ها دیگر تنها سرگرم کننده نیستند بلکه گاهی به ابزاری برای مقاومت بدل می‌شوند. در حال حاضر سریال‌ها، پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی هستند که شمار زیادی از مخاطبان را به خود اختصاص می‌دهند و تماشای سریال‌های تلویزیونی به بخشی از زندگی روزمره افراد بدل شده و بنابراین در مطالعات فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده است. در ایران هم این روند به خوبی قابل تشخیص است. بیننده ایرانی فارغ از هرگونه ویژگی طبقاتی، اجتماعی، فرهنگی و حتی قومی به پای سریال‌های تلویزیونی می‌نشیند و از تماشای آن‌ها لذت می‌برد. صادرات سریال‌های تلویزیونی بخشی از مبادله‌ی فرهنگی کشورها با یکدیگر می‌باشد که امروزه شدت بیشتری پیدا کرده است. یکی از این ژانرهای پرمخاطب صادراتی که زیر مجموعه سریال‌ها قرار می‌گیرند، سریال‌های بازاری^۱ هستند.

در این مقاله در پی یافتن دلالت‌های معنایی حاکم بر قرائت مخاطبان زن از سریال "ویکتوریا" ساخت کشور کلمبیا، از شبکه فارسی زبان "فارسی وان" هستیم. به علت غیرقانونی بودن استفاده از ماهواره در ایران و تماشای برنامه‌های تلویزیونی آن، نمی‌توان شمار بینندگان این شبکه و به طور ویژه این سریال را، مشخص کرد. اما شنیدن سخن‌ها و بحث‌های متعدد درمورد این سریال از محافل خصوصی و مهمانی‌ها گرفته تا فضای آکادمیک، اطلاع از طیف عظیم بینندگان آن از ۷ تا ۸۱ سال و نیز جذابیت‌هایی که این سریال برای بینندگانش دارد؛ ما را وادار می‌دارد تا از "تب ویکتوریایی" سخن بگوییم و این سریال را در رده‌ی پربیننده‌ترین‌های تلویزیونی در سال گذشته قرار دهیم.^۲

مروری بر داستان سریال ویکتوریا

سریال ویکتوریا درباره زنی میان‌سال و خانه‌دار به همین نام است که دارای خانواده‌ای پنج نفره شامل دو دختر و یک پسر می‌باشد اما درست در بیست و پنجمین سالگرد ازدواجش متوجه

۱. Soap opera: برگردان این اصطلاح از استاد گراندقدر، دکتر حسین پاینده به امانت گرفته شده است.
۲. به عنوان مثال رجوع کنید به هفته نامه فرهنگی هنری چلچراغ، شماره ۳۷۷، بهمن ۸۸، صفحات ۱۸-۲۲.

خیانت همسرش به او با زنی جوان می‌شود. او پس از مدتی از همسر خود جدا شده و همسرش نیز با آن زن جوان ازدواج می‌کند. ویکتوریا دچار سردرگمی می‌شود تا اینکه توسط یک دوست مشترک با پسری جوان آشنا شده که به او ابراز عشق می‌کند. در حالی که همه عمل ویکتوریا و آن مرد جوان را تقبیح می‌کنند، آن دو عاشقانه با هم ارتباط دارند و کار به جایی می‌رسد که شوهر سابق ویکتوریا به دلیل این جریان، سهم او از طلاق را نپرداخته و خرجی او و خانواده‌اش را قطع می‌کند. در همین حین دختر بزرگ او که حدود بیست و پنج سال دارد از دوست پسرش بچه‌دار می‌شود. او که نمی‌خواهد تا چند سال دیگر ازدواج کند تصمیم به سقط جنین می‌گیرد اما ویکتوریا و برادرش مانع او می‌شوند بنابراین آن‌ها با یکدیگر ازدواج کرده اما پس از مدتی با همسرش دچار مشکل می‌شود. از طرفی پسر او که درس موسیقی می‌خواند عاشق دختری از طبقه پایین اجتماع می‌شود. او نیز با مخالفت پدرش روبرو شده اما با حمایت ویکتوریا از آن‌ها این دو با هم ازدواج می‌کنند. از طرف دیگر دختر نوجوان ویکتوریا که در آستانه بلوغ است به اعتیاد گرفتار شده و مورد تجاوز قرار می‌گیرد. ویکتوریا که به وضع اقتصادی بدی گرفتار شده بنا به توصیه و حمایت معشوقش برای معاش زندگی به آشپزی و شیرینی پزی می‌پردازد. او نهایتاً با تلاش‌های فراوان به موفقیت بزرگی دست می‌یابد و صاحب چندین شرکت شیرینی‌پزی می‌شود. پس از مدتی به معشوق جوان پیشنهاد کاری پردرآمد در اروپا می‌شود. او از ویکتوریا می‌خواهد که به همراهش به اروپا برود اما ویکتوریا به دلیل مشکلات بی‌پایان فرزندان‌اش این پیشنهاد را نمی‌پذیرد همین‌جا رابطه میان این دو تمام شده و مرد جوان به اروپا می‌رود. در همین زمان شوهر سابق ویکتوریا که از کارهای سابق خود پشیمان شده دچار سکت قلبی می‌شود و از او کمک می‌خواهد. ویکتوریا او را به خانه خود می‌آورد و از او مراقبت می‌کند. پس از مدتی همسر سابقش دوباره به او پیشنهاد ازدواج داده و ویکتوریا در آستانه قبول آن است که معشوق پیشین دوباره به کشورش باز می‌گردد. آن دو اتفاقی یکدیگر را ملاقات کرده و عشق‌های قدیمی دوباره زنده می‌شود. مرد جوان بار دیگر از ویکتوریا می‌خواهد که با او به اروپا برود؛ این بار ویکتوریا که به اوضاع فرزندان‌ش سرو سامانی داده است این پیشنهاد را می‌پذیرد و داستان به اتمام می‌رسد.

فارسی وان و ویکتوریا در مطبوعات رسمی ایران

از طرفی بستر پخش یک ساله سریال مذکور به زمینه‌ای برای بحث و تبادل نظر سیاست‌گذاران فرهنگی کشور و تنورسین‌های این عرصه بدل شده به نحوی که سریال ویکتوریا و به طور کلی شبکه فارسی وان تهدیدی برای بنیان خانواده و ارزش‌های دینی شناخته شده است. بارها و بارها، این شبکه به طور عام و این سریال به طور خاص به دلایلی چون "ترویج روابط

نامشروع، از بین بردن استحکام خانواده، ترویج بی بندوباری و مضامین غیر اخلاقی، شیطان‌پرستی، از بین بردن قبح طلاق و خیانت و نهایتاً انقلاب نرم" مورد اتهام قرار گرفته است. جهت آشنایی بیشتر با این نظرها و انتقادات، به بیان برخی از آن‌ها می‌پردازیم؛

به عنوان مثال، رئیس سازمان صدا و سیما در کنگره جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی درباره این شبکه چنین گفت: "این روزها درباره فارسی وان اطلاع رسانی می‌شود. این شبکه تعدادی از سریال‌ها را دوبله می‌کنند... و آنقدر حوزه سرگرمی را گسترش می‌دهد که در خانواده‌ها روابط نامشروع بین محارم نیز به راحتی نمایش داده می‌شود" (شبکه خبری تابناک، ۹ خرداد ۱۳۸۹). صالحی امیری، معاون فرهنگی مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام با مقایسه عملکرد دو شبکه فارسی‌وان و بی‌بی‌سی فارسی گفت: «تاثیرگذاری فارسی‌وان در حوزه فرهنگی و اجتماعی بسیار بیشتر از بی‌بی‌سی فارسی است و امروز شبکه فارسی‌وان با پخش سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی؛ استحکام خانواده را به مناقشه و مناظره گرفته است و این مطلبی است که در حوزه مسائل سیاسی کمتر به آن توجه شده است.» (صالحی امیری، ۳ خرداد ۱۳۸۹).

حسن عباسی رئیس مرکز بررسی‌های دکترينال امنیت بدون مرز در پاسخ به این پرسش که آیا برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان مانند فارسی وان با محتوای غیراخلاقی و ترویج بی‌بندوباری جنسی می‌توانند زمینه بروز انقلاب مخملی را نیز در جامعه فراهم کنند، می‌گوید: "بنده با این نظر که این نوع شبکه‌ها با محتوای کنونی می‌توانند در راستای بسترسازی برای انقلاب نرم وارد عمل شوند، موافق هستم اما نمی‌توان عملکرد این شبکه‌ها را در راستای انقلاب مخملی قلمداد کرد." او می‌افزاید: "برنامه‌های این شبکه درصدد از بین بردن بنیه اعتقادی افراد جامعه و متلاشی کردن بنیان خانواده و تغییر باورهای دینی و اعتقادی است." (عباسی، ۲۳ خرداد ۱۳۸۹) به علاوه، "حسین باهر" جامعه‌شناس و رفتارشناس در مورد سریال ویکتوریا اظهار داشت: مراجعین بسیاری به کانون مشاوره او با دیدن این سریال دچار مشکل در خانواده شده‌اند. باهر به نکته دیگری نیز اشاره کرده و آن این بوده که سناریست سریال ویکتوریا با هدف تخریب خانواده‌های ایرانی دست به نگارش چنین داستانی زده است و قبح طلاق را در سریال ریخته و حتی زندگی را بعد از طلاق شیرین‌تر جلوه می‌دهد که واقعا چنین نیست. (باهر، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۹) قاسم جعفری (کارگردان) نیز درنامه‌ای به رئیس سازمان صدا و سیما نوشت: "شنیده‌ام فارسی وان با دوبله سریال‌هایی پر بیننده، متاسفانه گوی سبقت را از ما ربوده و کم کم مردم، خصوصا جوانان و نوجوانان در اوج ساعات پربیننده تلویزیون، به جای رسانه ملی، فارسی وان را تماشا می‌کنند..." (شبکه خبری تابناک، ۹ خرداد ۱۳۸۹).

با توجه به موارد فوق این پرسش به وجود می‌آید که چه می‌شود پس از پخش سی سال سریال‌های داخلی و خارجی پربیننده توسط سازمان صدا و سیما، مخاطب ایرانی به مدت یک